

توجه به باد در ساخت کالبد فیزیکی شهر زابل

دکتر محمد سلیقه

استادیار جغرافیا طبیعی و اقلیم‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

در شرق ایران، در دشتی کوچک و فرو افتاده شهر زابل واقع شده است. توزیع مراکز فشار و ویژگی‌های توپوگرافی منطقه به گونه ای است که باعث شکل گیری بادهای ۱۲۰ روزه سیستان شده است. این بادهای که از کوه‌های افغانستان در شرق ایران سرچشمه می‌گیرد با چرخش بر روی فلات ایران از جهت شمال غرب به جنوب شرق وارد دشت سیستان می‌شود. این بادهای از منطقه کم ارتفاع بین ناهمواری‌های شرق ایران گذشته، بر سرعت آن افزوده می‌گردد. افزایش سرعت آن‌ها، اثر اقلیمی آن‌ها را افزایش می‌دهد که بسته به شرایط دریاچه باعث ایجاد دو نوع اقلیم متفاوت در زابل می‌شود؛ در سال‌های پر آبی که دریاچه‌ی هامون در مسیر بادهای ۱۲۰ روزه دارای آب است هوای مطبوع با رطوبت نسبی مناسب را به ارمغان می‌آورد. در سال‌هایی که هامون خشک است جریان باد کف بستر دریاچه را کنده ذرات ریز خاک و ماسه را با خود حمل می‌نماید و محیط را آلوده می‌کند. در این تحقیق روابط ویژگی‌های کالبدی شهر زابل با جهت بادهای غالب منطقه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در خیابان‌هایی که جهت آن‌ها به موازات جهت بادهای غالب است، ساختمان‌ها در حکم باد شکن عمل کرده، اثر کانالیزاسیون خیابان‌ها باعث افزایش سرعت بادهای و تشدید اثرات نامطلوب می‌شود؛ در خیابان‌هایی که عمود بر جهت وزش باد غالب است اثر سیرکولاسیون و چرخش هوا، سبب انباشته شدن ماسه‌های بادی و آلودگی‌های محیطی می‌گردد. در این تحقیق پیشنهادهایی جهت کاهش آثار منفی این بادهای با استفاده از تغییر در کالبد فیزیکی شهر شده است.

واژگان کلیدی: بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، دریاچه‌ی هامون، کانالیزه شدن باد، آشوب‌های جوی.

مقدمه

باد در روی زمین عامل مهمی برای تبادل گرما، رطوبت و انتقال عناصر ذره‌بینی و غیر ذره‌بینی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر است. این امر از لحاظ اقلیمی در فراهم آوردن آسایش انسان یا اختلال در آن، چه از جهت گرمایی و چه از لحاظ راحتی رفتاری در محیط نقش مهمی دارد. توجه به جهت و سرعت باد در نواحی که این عنصر اقلیمی

نسبت به بقیه‌ی عناصر اقلیمی اثرات آسایشی مثبت و منفی عمیق‌تری دارد بااهمیت‌تر می‌باشد (رازجویان، ۱۳۷۹: ۳). شهر زابل در شرق ایران در منطقه‌ای بین دو مرکز فشار کم و زیاد هوا واقع شده است و لذا اثر باد در شرایط اقلیمی آن بسیار چشمگیر است. در دوره‌های تر سالی اثر بادهای منطقه‌ی سیستان باعث رحمت بوده و شرایط مساعد اقلیمی را به همراه دارد. از گرمای هوا کاسته و هنگام توسعه‌ی آن احساس خنکی به‌وجود می‌آورد. اما در دوره‌های خشکسالی بادهای منطقه با خود ماسه‌های ریز دانه را بر روی شهر زابل می‌ریزد. در این مقاله سعی شده در ساخت فیزیکی شهر الگویی ارایه شود که به کاهش اثرات منفی طوفان‌های ماسه‌ای بیانجامد.

تعریف موضوع

در بین بادهای ایران بادهای ۱۲۰ روزه سیستان ویژگی منحصر به فرد داشته و نقش به‌سزایی در اقلیم منطقه، مورفولوژی دشت، زندگی اقتصادی و فرهنگ مردم دارد. در برخی منابع این باد معروف به باد لوار، دنباله‌ی بادهای موسمی هندوستان ذکر شده که از طریق افغانستان و خصوصاً در بیابان‌های این دو کشور قدرت یافته و با عبور از نواحی کم ارتفاع افغانستان چون دشت ناامید وارد کشور ما می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴).^۱ دوره‌ی وزش بادهای ۱۲۰ روزه را از ۱۵ خرداد لغایت ۱۵ مهر ماه ذکر نموده‌اند (علی‌جانی، ۱۳۷۳: ۹۳). که از جهت شمال و شمال غرب به منطقه‌ی سیستان وارد می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

در برخی منابع ذکر شده زابل در تابستان تحت تأثیر دو باد مهم است ۱۲۰ روزه که از شمال غرب می‌وزد و باد آلیزه که از شرق می‌وزد ولی چون باد ۱۲۰ روزه شده دارد در زابل خوب محسوس نیست اما اگر از زابل به زاهدان برویم بعد از شهر سوخته که اثر باد ۱۲۰ روزه کاهش پیدا می‌کند به خوبی احساس می‌شود از سمت چپ باد گرمی می‌وزد که باد آلیزه است. به‌علاوه باد ۱۲۰ روزه را باید در درجه‌ی اول باد تایباد یا باد خواف نامید زیرا از آنجا به سیستان می‌وزد و از آنجاست که شدت آن زیاد می‌شود. شدت وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان به حدی است که با ایجاد غلظت گرد و غبار در آسمان و هجوم ماسه‌های روان در سطح زمین هرگونه فعالیت را از انسان سلب می‌کند و اختلالاتی را در وضع عمومی به وجود می‌آورد. این بادهای قویترین عامل تخریب خاک به حساب می‌آید (زمردیان، ۱۳۷۶: ۱۱۵). این بادهای ذرات ریز خاک را با خود حمل نموده و چاله‌هایی به عمق ۲ تا ۳ متر و عرض ۶ تا ۹ متر ایجاد می‌کند. آثار ژئومورفولوژیک موجود در منطقه شامل رق‌ها یا دشت‌های ماسه‌ای، ریپل مارک‌ها،

۱- اصولاً به باد داغ، باد لوار گفته می‌شود اما باد ۱۲۰ روزه داغ نیست.

سیف‌ها و بر خان‌ها همه اثراتی از فرسایش بادی هستند. این بادهای بر روی شبکه‌ی هیدروگرافی ناحیه آثار کاملاً مشهود بر جای می‌گذارد چرا که با حمل ماسه‌ها موجب مسدود شدن بستر رودها، ایجاد مآندر و انحراف در مسیر آب‌های جاری می‌شوند. رودخانه هیرمند تحت تأثیر عوامل فرسایشی این بادهای توپوگرافی دره خود را تغییر می‌دهد و غالباً مجرای خود را به طرف شرق می‌کشانند و دره‌های مرده در کنار سواحل هیرمند، دلیل حرکت جانبی بستر این رود می‌باشد. ضرورت مطالعه‌ی این پدیده را در امر ایجاد پروژه‌های کانال‌های آبرسانی بایستی جدی تلقی کرد و هر گونه طرح عمرانی در مورد تامین آب می‌تواند دائماً مورد تهدید ماسه‌های روان و... قرار گیرد (زمردیان، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

طرح مسأله

اثر بادهای ۱۲۰ روزه در سال‌هایی که دریاچه‌ی هامون سیستان کم‌آب باشد بیشتر است و در سال‌های کم‌باران، سبب خشک شدن درختان و بوته‌های بیابانی می‌شود که خود عاملی جهت تشدید اثر مخرب آن است. ولی در سال‌هایی که دریاچه پرآب باشد اثرات فرسایشی بادهای نقصان می‌یابد و اعتدال هوا را نیز باعث می‌شود. در زمانی که دریاچه‌ی سیستان به‌طور کلی خشک می‌شود بادهای مزبور از کف بستر خشک دریاچه ذرات ریز ماسه را جابه‌جا نموده و چون دریاچه در مسیر حرکت بادهای ۱۲۰ روزه قرار دارد بادهای از بستر دریاچه به انتقال ذرات ریز دانه می‌پردازند و چاله‌هایی به عمق ۲ الی ۳ متر و عرض ۶ تا ۹ متر احداث می‌کند (نورزهی، ۱۳۷۲: ۱۳). این ذرات توسط انرژی جابجایی باد بر روی شهر کشیده می‌شود و حیات جانوری و گیاهی را به مخاطره می‌اندازد. در این مقاله سعی خواهد شد الگویی برای توسعه‌ی کالبدی شهر پیشنهاد شود که اثرات تخریبی این بادهای را به حداقل برساند.

فرضیات تحقیق

- ۱- کالبد فیزیکی شهر زابل بادهای غالب منطقه‌ی سیستان را تقویت می‌کند.
- ۲- تغییر در کالبد فیزیکی شهر زابل در کاهش آشوب‌ها و گردبادهای هوایی مؤثر می‌باشد.

مکانیزم حرکت بادهای ۱۲۰ روزه سیستان

در دوره‌ی گرم سال (ماه‌های خرداد، تیر، مرداد و شهریور) شرایط اقلیمی در جنوب آسیا به‌گونه‌ای است که جذب تابش بی‌امان آفتاب در فلات‌های نسبتاً مرتفع این منطقه، باعث افزایش گرما در سطح زمین شده و چون در ارتفاع بالای ۱۰۰۰ متری

عمل جذب صورت می‌گیرد نسبت به نواحی مجاور در همان ارتفاع کم فشار حرارتی به‌وجود می‌آورد. در عین حال در همین ارتفاعات، در نواحی خارجی فلات ایران به‌علت ارتفاع کمتر زمین وافت شدید محیطی دما (حدود ۱۰ درجه به ازای هر هزار متر) شدت گرمایش به‌مراتب کمتر بوده و لذا شیب تغییرات دما از مرکز فلات به پیرامون بر قرار می‌شود. درست برخلاف این شیب تغییرات دما، شیب تغییرات فشار، که ناشی از اختلاف فشار حداقل در سطح ۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰ متری از سطح دریا است از بیرون به مرکز فلات ایران تشکیل می‌گردد (سلیقه، ۱۳۸۰: ۱۰).

در این حالت کم فشار حرارتی بر روی فلات ایران شکل گرفته که دارای حرکت چرخندی است. چنانچه در شکل (۱) نشان داده شده است حرکت چرخندی کم فشار حرارتی مستقر بر روی فلات ایران باعث ایجاد بادهای ۱۲۰ روزه می‌شود که از شمال و شمال غرب وارد دشت سیستان می‌شود. ناهمواری‌های سطح زمین نیز در مسیر حرکت این بادهای اثر گذار هستند. به‌طوری که در شکل (۲) نشان داده شده شرق کشور بین دو رشته‌کوه به‌نام کوه‌های بیرجند و نهبندان در شمال و کوه‌های سیاه‌کوه، نصرت آباد و ملوسان در جنوب واقع شده است.

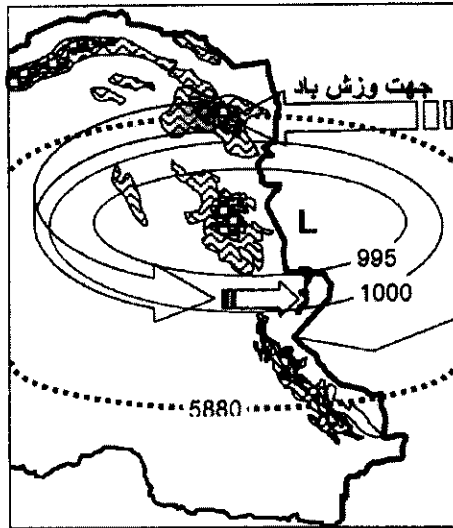
بین رشته‌کوه‌های نیمه‌ی شمالی و رشته‌کوه‌های جنوبی دشتی وسیع به نام سفیدابه واقع شده که جریان بادهای از طریق آن به سمت شرق متوجه می‌شود. این بادهای بعد از عبور از دشت سفیدابه به دریاچه سیستان می‌رسد. چنانچه در هامون سیستان پهنه وسیع آبی وجود داشته باشد (در سال‌های پر آبی) در اثر برخورد بادهای ۱۲۰ روزه به سطح این آب‌ها مطبوع شده و برای سیستان اثرات مطلوبی خواهد داشت. اما در هنگام خشکسالی‌ها (به‌ویژه خشکسالی‌های اخیر، ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱) جریان پرانرژی باد در اثر برخورد با بستر خشک دریاچه‌ی هامون، ذرات ریز خاک را به هوا بلند نموده و طوفان‌های شدید ماسه و خاک را در روی شهر زابل ایجاد می‌نماید. میانگین سالانه روزهای همراه با طوفان گرد و خاک در زابل به ۱۷۳/۲ روز می‌رسد (جدول ۱).

جدول ۱: میانگین سالانه‌ی روزهای همراه با طوفان گرد و خاک در زابل (۱۹۷۴-۱۹۹۵)*

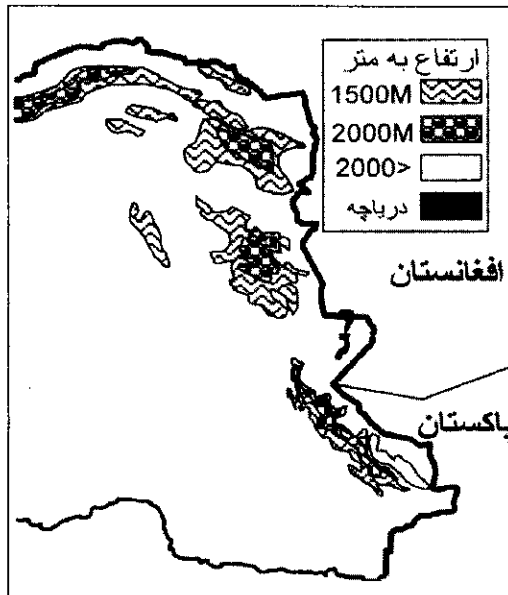
ایستگاه	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	سالانه
زابل	۴۰۸	۶	۸/۶	۱۰	۱۷/۸	۲۳/۹	۲۸/۵	۳۷/۵	۲۷/۵	۱۴/۶	۶	۴	۱۷۳/۲

* حسین زاده، ۱۳۷۶: ۱۳۳

شکل ۱: موقعیت کم فشار حرارتی و محل استقرار تیکنس و جهت باد در سطح زمین و ارتباط آن با منطقه سیستان در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶



شکل ۲: موقعیت ناهمواری‌های شرق کشور در ارتباط با سیستان



گلبادشهر زابل

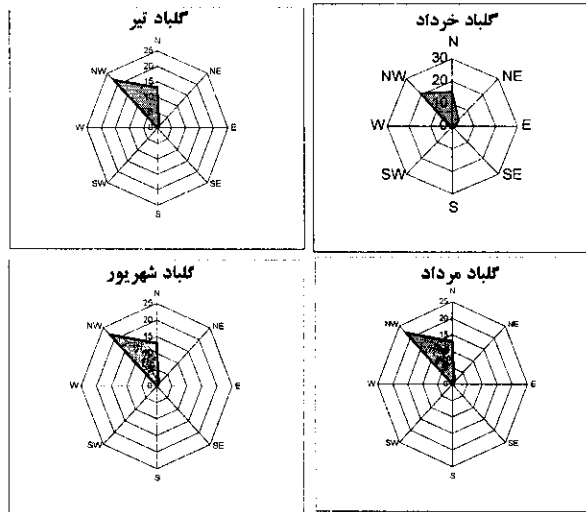
بادهای ۱۲۰ روزهی سیستان از دو مشخصه یکی سرعت و دیگری تداوم زیاد برخوردار است. این بادهای در زابل دارای جهت مشخص‌تر، ثابت‌تر و سرعت بیشتر می‌باشند (حسین‌زاده ۱۳۷۶: ۱۰۴).

بررسی گلباد ایستگاه زابل نشان می‌دهد (شکل ۳) که این ایستگاه در ماه‌های خرداد، تیر، مرداد و شهریور افزایش فراوانی و سرعت باد در یک یا دو جهت مشخص، منطبق بر جهت بادهای غالب فصل تابستان دارد. زمان شدیدترین و بیشترین بادهای، دو ماه مرداد و شهریور تعیین می‌شود که تقریباً ۸۰ درصد از بادهای وزیده شده در این ماه‌ها سرعتی بیش از ۵ متر بر ثانیه دارند. در این ایستگاه ۹۳/۵ درصد بادهای تابستان به بادهای ۱۲۰ روزه اختصاص یافته است. طی دوره‌ی ۱۲۰ روزه وزش باد به‌طور مداوم ادامه می‌یابد و فقط بین ساعت ۱۸/۳۰ و ۲۱/۳۰ که هم‌زمان با حداقل سرعت بادهای می‌باشد از فراوانی باد کاسته شده در مقابل ساعت ۹/۳۰ هر روز، زمان حد اکثر سرعت بادهای ۱۲۰ روزه است. میزان متوسط سرعت باد ایستگاه زابل در این زمان و برای جهت‌های شمال و شمال غربی به ترتیب ۶/۵ و ۹ متر بر ثانیه به دست آمده است (حسین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

بادهای ۱۲۰ روزه و کانالیزه شدن آن در زابل

شکل (۴) نقشه شهر زابل را نشان می‌دهد. چنانچه در این شکل مشاهده می‌گردد جهت‌گیری خیابان‌های شماره ۱ تا ۱۴ که از شمال غرب به جنوب غرب کشیده شده‌اند کاملاً با جهت حرکت بادهای ۱۲۰ روزه مطابقت دارند. بر این اساس حرکت باد در این خیابان‌ها کانالیزه شده بر سرعت آن افزوده می‌شود. کانالیزاسیون جریان‌های هوا به وسیله این مسیرهای مستقیم خیابانی به وجود می‌آید (اسکورو، ۱۳۷۲: ۲۰۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا زمانی طول ساختمان حدود چهل متر و کمتر است اثر ارتفاع چندان محسوس نیست ولی چنانچه طول ساختمان‌ها یا طول خیابان‌ها از چهل متر بیشتر شدن نسبت V_m متناسب با ارتفاع تغییر محسوس می‌کند. V_m سرعت متوسط باد در داخل گذر و V_0 باد آزاد منطقه به ازای متغیرهای ارتفاع، طول، عرض گذر و زاویه حمله باد می‌باشد.

شکل ۳: گلباد شهر زابل برای ماه‌های خرداد، تیر، مرداد و شهریور



به طور کلی با افزایش طول ساختمان‌ها به نسبت $\frac{V_m}{V_0}$ نیز افزوده خواهد شد، ولی نمود تغییرات در ساختمان‌های بلندتر از سه طبقه محسوس می‌شود. به‌طور نمونه، به ازای تغییر طول ساختمان از چهل به هشتاد متر، نسبت $\frac{V_m}{V_0}$ از $\frac{1}{3}$ به حدود $\frac{1}{5}$ افزایش خواهد یافت. عرض خیابان‌ها نیز بر سرعت باد اثرگذار می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که تغییر سرعت باد نسبت به باد آزاد منطقه، در خیابان‌هایی که عرضی معادل نصف ارتفاع ساختمان‌های مجتمع $b = \frac{H}{2}$ تقریباً نامحسوس است. چنان‌چه عرض گذر بیش از دو و نیم برابر ارتفاع ساختمان‌ها باشد ($b > 2.5H$) تغییرات سرعت باد در گذر نسبت به باد آزاد منطقه دوباره نامحسوس خواهد شد. ولی بین دو حد بالا یعنی $\frac{H}{2} < b < 2.5H$ سرعت باد در گذر نسبت به باد آزاد محیط افزایش می‌یابد.

زاویه‌ی حمله‌ی باد نیز بر تغییرات سرعت اثرگذار است. تا زمانی که باد با زاویه‌ی چهل و پنج درجه به خیابان‌ها می‌رسد تأثیر افزایش سرعت نامحسوس است ولی به محض کاهش زاویه و به موازات شدن جهت باد با جهت خیابان‌ها، افزایش سرعت باد در خیابان‌ها را شاهد هستیم (راز جویان، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

اگر در نظر بگیریم (با توجه به نقشه شهر زابل شکل ۶) جهت وزش باد با جهت خیابان‌ها (شمال غربی، جنوب شرقی) همسان است، سرعت وزش باد تا اندازه‌ای افزایش می‌یابد. این‌گونه خیابان‌های زابل زیاد است لذا افزایش سرعت محسوس است. افزایش سرعت در نتیجه عرض خیابان‌ها نیز می‌باشد. اگر متوسط ارتفاع ساختمان‌ها را در این‌گونه خیابان‌ها ۶ متر در نظر بگیریم گذرها و خیابان‌هایی که کمتر از ۱۵ متر عرض داشته باشند با افزایش سرعت باد تا ۱/۵ برابر همراه می‌باشند.

در خیابان‌های شهر زابل مجتمع ساختمان‌ها در دو طرف یک فضای باز، کشیده و کم‌عرض، همانند دو جبهه موازی دو طرف خیابان استقرار یافته‌اند. حجم ساختمان‌های دو سوی خیابان منظم و یک دست است و عرض خیابان‌ها به ندرت از سه برابر ارتفاع متوسط ساختمان‌های اطراف تجاوز می‌کند. خیابان‌ها باریکند و لذا سرعت باد در این‌گونه خیابان‌ها افزایش می‌یابد. زاویه نفوذ جریان باد با زاویه جهت خیابان‌های ۱ تا ۱۴ یکسان است. لذا نیرو و انرژی باد در این‌گونه خیابان‌ها افزایش یافته و با دما قادر به جابجایی ذرات معلق خود هستند. در عین حال اگر جریان باد منطقه‌ای با سرعتی آزردهنده وارد خیابان‌ها شود، در تمام طول خیابان مشکل آفرین خواهد بود. بنا براین احداث ساختمان‌های بلند و با طول زیاد در این‌گونه خیابان‌ها که سرعت باد غالب از حد مجاز افزایش می‌یابد جایز نیست. چنانچه احداث این نوع مجتمع‌ها ضرورت داشته باشد باید با استفاده از یک یا ترکیبی از راه‌حل‌ها زیر از سرعت باد کاست و مشکل را تا حدودی تعدیل کرد:

۱- ساختمان‌ها از یکدیگر جدا شوند و بین آن‌ها فاصله کافی وجود داشته باشد (طول فضای آزاد خالی روی هم رفته حدود ۷۵ در صد طول ساختمان‌ها و بیشتر باشد).

۲- به کمک ساختمان‌های کوتاه و بلند خط آسمان جبهه‌های دوطرف خیابان را از یکنواختی درآورد.

۳- با زاویه‌های نزدیک به قائمه در خیابان پیچ و تاب ایجاد کرد.

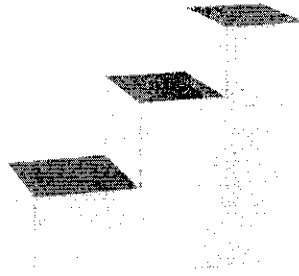
۴- از احداث خیابان‌هایی در جهت شمال غرب به جنوب شرق جلوگیری نمود.

۵- یک طرف خیابان‌ها را به فضاهای باز پارک‌ها و یا حیاط خانه‌ها و سازمان‌ها اختصاص داد.

۶- عرض خیابان‌ها را افزایش داده تا تأثیر کانالیزه شدن باد کاهش یابد.

۷- ساختمان‌های دوطرف این‌گونه خیابان‌ها به صورت پلکانی (شکل ۴) ساخته شود در این آرایش معماری نسبت سرعت باد به سرعت باد آزاد $\frac{V_m}{V_0}$ برابر یک خواهد بود.

شکل ۴ : حاشیه خیابان‌ها به صورت پلکانی

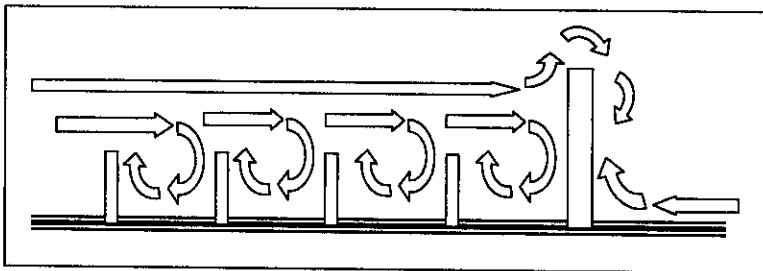


ترسیم : نگارنده

آشوب‌های هوایی

تاکنون مشاهده نمودیم که خیابان‌هایی که در زابل به موازات جهت باد غالب احداث شده‌اند با افزایش سرعت از کانالیزه شدن باد روبرو هستند. اما در خیابان‌هایی که عمود بر جهت باد غالب هستند (خیابان‌های الف تا ی) نیز افزایش آشوب‌های هوایی روبرو هستیم. در این حالت باد از روی بام‌ها می‌جهد و به فضاهای بین ساختمان‌ها داخل نمی‌شود ولی با ایجاد خلاء، هوای محبوس در این خیابان‌ها را به چرخش درمی‌آورد (شکل ۵).

شکل ۵ : آشوب‌های هوایی در پشت ساختمان‌ها*



*کسمایی، ۱۳۶۸: ۲۰۷

جهت چرخش و سرعت باد نسبت به جریان آزاد اطراف ساختمان‌ها بر روی خطوط وزش باد مشاهده می‌شود. در این گونه خیابان‌ها هر چه خیابان دورتر از محل وزش باد باشد مقدار چرخش و سرعت آن افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که کند شدن سرعت

هوا در فضای خیابان‌های عمود بر جهت وزش باد نسبت به باد آزاد منطقه، می‌تواند احساس پناه داشتن در مقابل باد را به وجود آورد. در این حالت در این گونه خیابان‌ها به دلیل کاهش سرعت باد انرژی خالص باد کاهش یافته و قادر به انتقال مواد و ذرات جامد همراه خود نیست لذا بار خود را در این گونه خیابان‌ها بر جای می‌گذارد. در این گونه خیابان‌ها شاهد تل انبار شدن ماسه‌های بادی هستیم و اثرات آشوب‌های هوایی ناشی از چرخش هوا در پشت ساختمان‌ها در این گونه خیابان‌ها اثرات منفی محیطی را به دنبال دارد (رازجویان، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

سرعت های ایده آل در بافت شهری زابل

سرعت متوسط باد در داخل بافت پست و بلند شهری نباید از $1/6$ متر در ثانیه (نسیم ملایم در دستگاه بوفورت) تجاوز کند. اما در هنگام وزش بادهای 120 روزه سیستان، سرعت متوسط باد ایستگاه زابل برای جهت شمال و شمال غرب به ترتیب $6/5$ و 9 متر بر ثانیه بوده است (حسین زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۳). عامل کانالیزه شدن باد در خیابان‌هایی که به موازات باد در محیط آزاد است افزایش می‌یابد.

مقدار سرعت وزش باد در این گونه خیابان‌ها به $13/5$ متر بر ثانیه می‌رسد (برابر با 27 نات که در مقیاس بوفورت جزء باد تند محسوب شده که تکان شاخه‌های بزرگ درختان و سوت کشیدن سیم‌های تلگراف و دشواری نگهداشتن چتر بر روی سر راباعث می‌شود) (جعفرپور، ۱۳۶۷: ۹۰). در خیابان‌هایی که عمود بر جهت باد غالب کشیده شده‌اند آشوب‌ها و گرداب‌های هوایی ایجاد می‌شود. ساختمان‌های جدا از هم نیز توده‌های هوا را مجبور به دور زدن بدور خود می‌کنند و در نتیجه این عمل، گردباد به وجود می‌آید (اسکورو، ۱۳۷۷: ۸۸). در این حالت سرعت باد کاهش می‌یابد و به طور متوسط به 50 در صد سرعت اولیه می‌رسد. اگر سرعت اولیه را 9 متر بر ثانیه برای باد غالب و $6/5$ متر بر ثانیه بر باد نایب غالب بدانیم بر اثر کاهش سرعت، مقدار آن‌ها به ترتیب به $4/5$ تا $3/25$ متر بر ثانیه می‌رسد. در این حالت کاهش سرعت اتفاق می‌افتد و در اثر این کاهش سرعت نیروی باد کاهش یافته و قادر نخواهد بود بار جامد خود را حمل نماید. به این صورت خیابان‌هایی که در جهت عمود بر جهت باد غالب و باد نایب غالب واقع شده‌اند همواره با انبوهی از ماسه‌های بادی مواجه خواهند شد.

نتیجه گیری

شهر زابل در شرق کشور در دشتی کوچک و فرو افتاده واقع شده است که در غرب آن دریاچه‌ی سیستان قرار دارد. ویژگی‌های توپوگرافی و نحوه‌ی توزیع مراکز فشار

منطقه به گونه‌ای است که باعث شکل‌گیری بادی شده که از سمت غرب با مسیر شمال غرب جنوب شرق از طریق منطقه‌ی کم‌ارتفاع بین ناهمواری‌های شرق کشور به سمت زابل می‌وزد. به این باد، باد ۱۲۰ روزه سیستان می‌گویند. این بادها دو گونه شرایط اقلیمی را برای شهر زابل به ارمغان می‌آورند. در سال‌های پرآبی و مرطوب دریاچه‌ها مون در مسیر وزش این بادها دارای منابع فراوان آب است و تبخیر از سطح آب این دریاچه باعث به‌وجود آمدن هوای مطلوب، مطبوع و خنک همراه این بادها خواهد شد. اما در سال‌های خشکسالی (برای نمونه سال‌های ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۱) دریاچه‌ها مون خشک شده و بستر خشک آن منشا ذرات معلق خواهد بود که توسط بادهای ۱۲۰ روزه سیستان به شهر زابل منتقل می‌شود. خطوط شبکه خیابانی شهر زابل به دو دسته قابل تقسیم‌بندی هستند:

الف- خیابان‌هایی که جهت آن‌ها به موازات جهت وزش باد غالب است. در این گونه خیابان‌ها، تحت تأثیر کانالیزاسیون با افزایش سرعت باد مواجه هستیم در این حالت سرعت جریان باد از متوسط ۹ متر بر ثانیه به ۱۳/۵ متر بر ثانیه می‌رسد.

ب- دسته دوم خیابان‌هایی هستند که جهت آن‌ها عمود بر جهت باد غالب است. در این گونه خیابان‌ها کم شدن سرعت باد بر اثر برخورد به ساختمان‌ها رخ داده و در اثر کاهش سرعت باد، نیروی حمل ذرات نیز کاهش یافته، مقداری از بار جامد هوا در این خیابان‌ها و منازل رسوب می‌کند. به این صورت، این گونه خیابان‌ها محل تجمع ذرات معلق در هوا بوده، آلودگی‌های شدید محیطی دارند.

آزمون فرضیات

فرض اول در این تحقیق این بود که بادهای غالب منطقه سیستان در کالبد فیزیکی شهر زابل تقویت می‌شوند. مطالعات نشان داد که چون جهت شبکه خیابان‌های این شهر با جهت باد غالب موازی است تقویت کانالیزاسیون باد باعث افزایش سرعت بادهای غالب در منطقه می‌شود.

فرض دوم این بود که کالبد فیزیکی شهر زابل به گونه‌ای است که آشوب‌ها و گردبادهای هوایی را تشدید می‌کند. مطالعات بر روی کالبد فیزیکی شهر نشان داد که عمود بودن خیابان‌ها بر جهت وزش بادهای غالب باعث تشدید آشوب‌ها و گردبادهای هوا شده و چرخش باد را در این خیابان‌ها به دنبال دارد. لذا بر اساس انجام تحقیق فوق هر دو فرضیه مطرح در این تحقیق به اثبات رسید.



شکل ۶: نقشه شهر زابل و اثرات باد در خیابان‌های آن

منابع و مأخذ

- ۱- جعفرپور، ابراهیم: اقلیم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۲- حسین زاده، سیدرضا: بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۶، ۱۳۷۶.
- ۳- راز جویان، محمود: آسایش در پناه باد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- ۴- زمردیان، محمدجعفر؛ محسن پورکرمائی: بحثی پیرامون ژئومورفولوژی استان سیستان و بلوچستان، ویژه نامه آب و خاک زابل، مجله فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۹، ۱۳۶۷.
- ۵- ژیل، اسکورو: آب و هوا و شهر، محیط زیست شهری، ترجمه دکتر شهریار خالدي، انتشارات طبیعت، ۱۳۷۷.
- ۶- ژیل، اسکورو: آب و هوا و محیط زیست عوامل محلی آب و هوا، ترجمه دکتر شهریار خالدي، انتشارات قوس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷- سلیقه، محمد: تأثیر آب و هوایی کم فشار پاکستان بر منطقه‌ی جنوب شرق ایران، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۰.
- ۸- علیجانی، بهلول: آب و هوای ایران، دانشگاه پیام نور ایران، ۱۳۷۳.
- ۸- کسمایی، مرتضی: راهنمای طراحی اقلیمی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، شماره‌ی انتشار ۹۴، ۱۳۶۸.
- ۹- نورزهی، فرامرز: بررسی اثرات تخریبی سیلاب‌های رودخانه هیرمند، پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه جغرافیا، ۱۳۷۲.